

هفت خان اقتصاد

در این مقاله می‌خواهم از آخرین و مهمترین فرصت باقی مانده برای اقتصاد ایران سخن بگویم. بدون اغراق ۱۴۰۰ تنها فرصت اقتصاد ایران است که دولت سیزدهم باید با درایت در آن گام بردارد که اگر غیر از این باشد، به بیراهه‌ای خواهد رفت که حتی تصور آینده‌اش غیرقابل باور است.

اقتصاد ایران بیش از پنج دهه است که به صورت دوره‌ای با تورم افسارگسیخته، رکود اقتصادی، نرخ نزولی اشتغالزایی و گسترش فقر و نابرابری مواجه بوده است. در تمام این سال‌ها نیز با کمال تاسف سیاست‌گذاران اقتصادی با اتخاذ سیاست‌های مُسکن گونه نتوانستند جهت نمودار توسعه اقتصادی را تغییر دهند. همواره علاج ریشه‌ای این بیمار در حال احتضار به آینده نامشخص موکول شده است. به همین دلیل در ده سال اخیر شیب این نمودار به سمت پایین سرعت گرفته است. در نهایت هم می‌بینم کاهش رشد اقتصادی، افزایش تورم، کاهش درآمد سرانه خانوارها به وقوع پیوسته است. گذشته از کسری بودجه مزمن دولت، کاهش سهم ما از اقتصاد جهانی، رشد نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی و هزاران چالش دیگر که هر کدام دنیایی دارند .

اما برون رفت از این کوه بحران، نیازمند اصلاحات اساسی در سیاست‌گذاری‌ها و ساختارها است. بنابراین دولت برای ساماندهی چالش‌های اقتصادی باید اولویت‌بندی داشته باشد. در این راستا هفت گام اساسی وجود دارد که اگر دولت به آنها بپردازد، می‌تواند مانند یک دومینو سایر مسائل را نیز سامان دهد. بی‌شک حل تمام مشکلات رسوب شده در اقتصاد ایران ظرف مدت چهار سال نیز میسر نخواهد بود ولی استمرار در اجرای درست اهداف مطرح شده، ما را در ده سال آتی به نقطه مطلوب می‌رساند.

گام اول

در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۰ پیش‌بینی شده بود، ظرف مدت حداکثر ۱۶ سال سهم اقتصادی دولت صفر شود. کوه یخی که نه تنها پیش از ورود به ۱۴۰۰ متلاشی نشد، بلکه حجیم و حجیم‌تر شد. بی‌شک این وضعیت مرهون کسب درآمدهای نفتی به عنوان سهل‌الوصول‌ترین منابع مالی دولت‌ها است. از زمان مظفرالدین شاه که ویلیام داری استرالیایی برای اولین بار اقدام به اکتشاف نفت در ایران کرد، تاکنون اتکا به درآمدهای بادآورده نفتی، بی‌نیازی دولت‌ها به حمایت از بخش خصوصی قدرتمند را شکل داده است .

در تمام ۶۰ سال اخیر سیاست‌های توسعه‌ای کشور عمدتاً بر پایه درآمدهای نفتی استوار بوده است. وابستگی به درآمدهای نفتی آن‌چنان ریشه‌ای در اقتصاد کشور دوانده که به‌رغم کم شدن تأثیر و ارزش نفت در اقتصاد دنیا همواره در ذهن سیاست‌گذاران ما، رسیدن به نفت ۱۲۰ دلاری و حل مسائل بر پایه این درآمدهای سهل‌الوصول موج می‌زند. این تفکر و سیاست‌های اتخاذ شده حاصل از آن، باعث تشکیل یک اقتصاد تمام عیار دولتی در همه این سال‌ها شده است. اقتصادی که در آن بخش خصوصی کمترین نقش را در تصمیم‌سازی‌ها دارد. اقتصادی که به سبب نامتعارف بودن ساختار خود نمی‌تواند ارتباطات منطقی اقتصادی را با دنیای خارج ایجاد کند.

اما دهه پیش‌رو برهه حساس و حیاتی پیش‌روی اقتصاد ایران است؛ برهه‌ای که باید واگذاری اختیارات به بخش خصوصی از مرحله نمایش، امتیاز یا لطف خارج شود و ادامه حیات اقتصادی با تکیه بر توانمندی‌های بخش خصوصی صورت گیرد. دهه پیش‌رو خبر از روزهایی می‌دهد که دیگر چاه‌های نفت تاب و توانی برای به دوش کشیدن بار سنگین اقتصادی ندارند و برای تامین معاش باید بر مزیت‌ها تکیه کرد و زمام امور را به تجربه اهالی اقتصاد سپرد.

براین اساس رئیس دولت سیزدهم یک راه بیشتر پیش‌رو ندارد و آن، گام برداشتن در خارج از دایره اقتصاد بسته دولتی است. با این نگاه اولین دستور کار اقتصادی دولت سیزدهم باید بهبود فضای کسب‌وکار در راستای افزایش سطح مشارکت بخش خصوصی قرار گیرد. در تمام این سال‌ها به بهانه‌های مختلف آنچنان چوب لای چرخ بخش خصوصی گذاشته شده که گاهی امکان فعالیت برای آنها در حداقل شکل ممکن نیز فراهم نیست. این وضعیت هم بخش خصوصی سابقه‌دار و هم بخش خصوص جوان را دچار سرخوردگی کرده است و ایران را در بین سایر کشورهای جهان از نظر شاخص فضای کسب‌وکار در وضعیت نامناسبی قرار داده است.

گام دوم

دولت باید در گام دوم مهار پایدار تورم را هدفگذاری کند. مهار پایدار تورم باید با طراحی سیاستهای هماهنگ پولی و مالی و ارزی و تجاری میان مدت رخ دهد. این سیاست باید با هدف ثبات اقتصاد کلان و اعلان سالانه آنها و نوسازی نهادهای تصمیم‌گیر و سیاستگذار اقتصادی باشد.

امروز ثبات اقتصاد کلان شرط لازم برای رشد اقتصادی پایدار و مستمر است و بخش خصوصی برای حضور در اقتصاد به خصوص در بخش‌های مولد به ثبات، امنیت و قابلیت پیش‌بینی پذیری برای انجام سرمایه‌گذاری نیازمند است. وجود نوسانات زیاد در شاخص‌های اقتصاد کلان نظیر نرخ تورم، نرخ ارز و تغییر مکرر قوانین و مقررات باعث می‌شود که فعالان اقتصادی نتوانند از حداقل اطمینان برای برنامه‌ریزی در خصوص انجام فعالیت‌های بلند مدت در عرصه اقتصاد برخوردار باشند.

گام سوم

یکی از اقدامات مهمی که دولت سیزدهم باید در جریان ساماندهی امور در دستور کار قرار دهد تعامل مستمر با مجلس برای جلوگیری از تصمیمات پر خطر است. در دوره‌های پیشین، مجلس در مشورت‌خواهی از بخش خصوصی ثابت‌قدم بود و اغلب نشست‌های کمیسیون‌های مجلس، با مشارکت نمایندگان بخش خصوصی بود. این مساله باعث شده بود تا مصوبات مجلس به‌ندرت نقش ویرانگر ایفا کنند و اراده معطوف به رشد اقتصادی متکی بر ظرفیت‌های بخش خصوصی نیز در قوانین تصویب شده مجلس مشهود باشد.

اما امروز این رویکرد در مجلس دوازدهم کمتر دیده می‌شود. براین اساس می‌توان پیش‌بینی کرد با تصویب سیاست‌های غلط چقدر بر بحران‌های اقتصاد ایران و به تبع آن بر چالش‌های اجرایی دولت سیزدهم افزوده خواهد

شد. البته فرآیند کلی قانون‌نویسی در ایران نیازمند اصلاح است زیرا نگرش برخی از قوانین نیازمند دوره‌ای چند ساله است تا همه ذی‌نفعان و صاحب‌نظران بتوانند در فرآیند تدوین آن، مشارکت فکری لازم را داشته باشند. که بررسی این مهم در این مقال نمی‌گنجد.

گام چهارم

دولت چهارمین گامی که باید بردارد، تعامل فعال برای رفع تحریم‌های اقتصادی و حداقل کردن عوامل خارجی بی‌ثباتی اقتصادی و بازگردان منابع بلوکه شده به کشور است. انعقاد و اجرای تفاهمنامه‌ها و قراردادهای اقتصادی با کشورهای مهم دنیا و کشورهای منطقه و اتحادیه‌ها بر پایه واقعیت‌های موجود در تحولات ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک باید صورت گیرد. این امور باید با هدف جذب حداکثری سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری‌های روز با اولویت نفت و گاز و فناوری اطلاعات و ارتباطات باشد. در این بین پیوستن به FATF و اتصال به سوئیفت نیز باید در دستور کار رئیس دولت سیزدهم قرار گیرد. ایران بدون این تغییرات نمی‌تواند در راستای پیشبرد فعالیت‌های اقتصادی خود با جهان حرکت کند.

گام پنجم

آنچه امروز دولت به عنوان گام پنجم باید در دستور کار خود قرار دهد؛ اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی در داخل کشور و به تبع آن رونق تعاملات اقتصادی است. در سال‌های اخیر حجم بالای قوانین، بخشنامه‌ها و ضوابط خلق‌الساعه و تغییرات پیاپی این قوانین، فعالان اقتصادی را به زانو درآورده است. ایران امروز تنها کشوری است که سیاست‌گذاران آن با تدوین بالغ بر صدها مقررات متعدد سد راه فعالان اقتصادی خود شده‌اند. تاب‌آوری بخش خصوصی به مورسیده و با اندک تلنگری همان موهم پاره می‌شود و اقتصاد ایران در ابعاد کلان به زانو درمی‌آید.

بنابراین خواسته بخش خصوصی از دولت آینده به‌صورتی موجز، صریح و شفاف همان است که مقام معظم رهبری به‌عنوان شعار سال برگزیدند. حتی اگر دولت بتواند نیمی از هدف و روح این شعار را محقق کند و به معنای واقعی مانع‌زدایی از کسب‌وکارها را در دستور کار قرار دهد، گشایش اقتصادی به‌عنوان گمشده دهه گذشته، در دهه نخست ۱۴۰۰ حاصل خواهد شد.

گام ششم

خوشبختانه یکی از اولویت‌های آقای رئیسی در دولت، مبارزه با فساد است. اما این برنامه باید در کمترین زمان ممکن و با قطع مداخلات دولت در اقتصاد شکل بگیرد. ریشه فساد تصمیمات و مداخلات غیر ضرور دولت‌ها در اقتصاد است. بنابراین یک بُعد از فساد اختلاس یا عدم بازپرداخت تسهیلات بانکی است که البته بخشی از این نوع فساد نیز ناشی از قوانین و مقررات متزلزل است. در سال‌های اخیر بسیاری از انواع فسادها به پشتوانه تعدد بخشنامه‌ها و مقررات رخ داده است.

وجود امضاهای طلایی، چند نرخی شدن کالاها و ارز، محدودیت صدور مجوز، انواع سهمیه‌بندی‌ها و ... از جمله زمینه‌هایی بروز فساد است که فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین شفاف‌سازی و مقابله با فساد از طریق حذف امضاهای طلایی و کاهش محدودیت‌ها از دیگر اقدامات مهم رئیس دولت جدید باید باشد .

گام آخر

آخرین گام دولت آینده ساماندهی نظام بودجه‌ریزی کشور است. در حال حاضر روند تدوین بودجه بدین شیوه است که دولت پیشنهاد بودجه را ارائه می‌دهد و نمایندگان مجلس با توجه به نیاز منطقه خود آن را چکش کاری می‌کنند. اما در نهایت بودجه متورمی تدوین می‌شود که هیچ‌گاه محقق نمی‌شود. هزینه‌های بودجه معمولاً کاملاً پابرجا و استوار است، اما منابع درآمدی بودجه عمدتاً محقق نمی‌شود. در گذشته دولت کسری بودجه را از طریق افزایش فشارهای مالیاتی تا حدودی جبران می‌کرد. اما دیگر بیش از این امکان فشار آوردن برای دریافت مالیات هم وجود ندارد. نتیجه این روند کسری بودجه شدید، دست‌اندازی به منابع بانک مرکزی یا چاپ پول بدون پشتوانه و خلق پول الکترونیکی است که این خلق نقدینگی با سرعت هرچه تمام خود را در نرخ تورم نشان می‌دهد. آنچه امروز شاهد آن هستیم.

در نهایت اگر روند بودجه‌ریزی در سال‌های آتی نیز به همین منوال دنبال شود، با رشد حجم نقدینگی کشور قادر به کنترل تورم افسارگسیخته‌ی شکل گرفته نخواهد بود .

در جریان بودجه نویسی دیگر نکته قابل تامل که همواره مغفول مانده، توزیع متوازن بودجه عمومی، متناسب با طرح آمایش سرزمین است. البته این ضعف در نظام بودجه‌ریزی کشور، به یک دولت و مجلس منحصر نمی‌شود و از اواخر دهه ۱۳۳۰ که درآمدهای نفتی دولت و به تبع دیوانسالاری اداری دولت افزایش یافت، به خوبی مشاهده می‌شود. انتظار می‌رود که منابع مالی دولتی تمرکز بیشتری بر مناطق کم برخوردار داشته باشد تا از این مسیر، شاهد توسعه متوازن کشور و رشد اقتصادی فراگیر باشیم. اما هم در لابی‌گری‌های دولتی و هم ویرایش مجلس در لایحه بودجه، اعم از کمیسیون تلفیق و صحن علنی، معمولاً سهم کمتری به مناطق محروم اختصاص می‌یابد و از این طریق، توسعه نیافتگی در این مناطق تثبیت می‌شود. اگرچه کشور با چالش‌های اقتصادی دیگری از جمله صندوق‌هایی نظیر تامین اجتماعی و بازنشستگی، بورس و ... مواجه است. اما اگر این هفت اولویت اقتصادی مرتفع شود، بسیاری از مسائل اقتصادی کشور بهبود خواهد یافت.

کیوان کاشفی

عضو هیات ریسه اتاق ایران و رییس اتاق کرمانشاه